

سیاست جنایی بین‌المللی و ملی در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری

امیرحسن نیازپور*

چکیده

سیاست جنایی تا دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰ بزه‌مدار و بزه‌کارمدار بود، اما با پیدایش جنبش حمایت (دفاع) از بزه‌دیده تحولات متعددی در این گسترده پدید آمد، به گونه‌ای که امروزه حقوق بزه‌دیدگان و حمایت از آنان یکی از بنیادی‌ترین محورهای گفتمان دانشگاهی و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی به شمار می‌آید. حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل از جمله سازوکارهای حمایتی - حقوقی است که شماری از اسناد بین‌المللی (اعم از الزام‌آور و ارشادگر)، مقررات فرائق‌بینی و برخی از مقررات تقنینی و فرائق‌بینی ایران آن را مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود این، حق مذکور در پهنه سیاست جنایی بین‌المللی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. این نوشتار وضعیت این حق و چگونگی حمایت از آن را بررسی می‌کند.

کلید واژگان

سیاست جنایی بین‌المللی - سیاست جنایی ملی - جهانی شدن سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار - حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل - وکیل‌گزینی - وکیل رایگان.

* - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

سیاست جنایی تا هنگام پیدایش مکتب تحقیقی با «رویکردی بزه‌مدار» به چگونگی پاسخ‌دهی به پدیده بزه‌کاری می‌نگریست.^(۱) از این رو، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی در دوره بزه‌مداری بدون توجه به وضعیت نقش آفرینان دعوی کیفری (یعنی بزه‌کار و بزه‌دیده) به بزه‌کاری پاسخ می‌دادند. اما با انتشار دیدگاه‌های مکتب تحقیقی و گرایش به سوی شناسایی موقعیت بزه‌کاران و توجه به آن در تصمیم‌گیری‌های قضایی - کیفری سیاست جنایی به سوی «بزه‌کارمداری» هدایت شد؛ به گونه‌ای که از آن پس سیاست‌گذاران جنایی نیز در صدد توجه به متهمان و بزه‌کاران در سیاست‌گذاری‌ها برآمدند، تا اینکه شماری از اندیشمندان علوم جنایی در دهه ۱۹۴۰^(۲) به منظور بهبود وضعیت علت‌شناسی جنایی و کاهش میزان بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، بررسی ویژگی‌های شخصیتی - جسمانی - اجتماعی بزه‌دیدگان رابطه این خصیصه‌ها با بزه‌کاری و تبیین نقش بزه‌دیدگان در شکل‌گیری پدیده مجرمانه را گرانگاه مطالعات و پژوهش‌های خود قرار داده‌اند.^(۳) با وجود این، شمار زیادی از آنان بزه‌دیدگان را نه تنها شایسته سرزنش ندانسته بلکه بر حمایت کیفری و غیر کیفری از آنان از سوی تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی و دست‌اندرکاران عدالت کیفری تاکید ورزیده‌اند. به این معنی که از یک سو، در فرآیند کیفری و جهت‌گیری‌های قضایی - کیفری باید ارزش بیشتری برای خواسته و نیازهای بزه‌دیدگان قائل شد و از سوی دیگر، بزه‌دیدگان مانند بزه‌کاران مشمول برنامه‌های حمایتی مادی، معنوی و روانی - عاطفی قرار گیرند.^(۴) این تغییر رویکرد

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (دکتر)، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، [دبیاچه در]، لارز، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، از ص ۹ تا ص ۲۲.

۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۸۴، از ص ۸۱ تا ص ۸۷.

۳- آشوری، محمد (دکتر)، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸.

۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (دکتر)، از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری، [دبیاچه در]، زار، لیز و فیلزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و دیگران، انتشارات مجد، چاپ نخست، ۱۳۷۹، ص ۱۲.

سبب گردیده است تا سیاست‌گذاران جنایی بیش از گذشته به وضعیت بزه‌دیدگان و حمایت از آنان در فرآیند کیفری توجه کنند، به گونه‌ای که امروزه تحت تأثیر گفتمان دانشگاهی و جنبش حمایت (دفاع) از بزه‌دیده^(۵) در راستای حمایت کیفری و غیر کیفری از این دسته گام برداشته‌اند. آنان با تدوین مقررات و اتخاذ سیاست‌های لازم از یک سو، به حمایت کیفری از بزه‌دیدگان به شکل تشدید، ویژه یا افتراقی و دنباله‌دار مبادرت ورزیده‌اند^(۶) و از سوی دیگر، در راستای حمایت غیر کیفری از آنان اقدام‌های مالی، بهداشتی و پزشکی، روانی - عاطفی، حقوقی و غیره را پیش‌بینی کرده‌اند. به این‌سان تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی گونه‌های متعدد حقوق بزه‌دیدگان یعنی؛ «حق بزه‌دیده بر شناسایی بزه‌دیدگی او توسط جامعه»، «حق بزه‌دیده بر همراهی و حمایت» و «حق بزه‌دیده بر ترمیم و جبران خسارت» را در سیاست‌ها، مقررات و رویه‌ها مورد توجه قرار داده‌اند.^(۷) حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان مهم‌ترین سازوکار حمایت غیر کیفری و از جلوه‌های حق بزه‌دیده بر حمایت و همراهی است که در پرتو آن بزه‌دیدگان - به ویژه بزه‌دیدگان ناتوان مالی - در سراسر فرآیند کیفری از مشاوره‌ها و راهنمایی‌های وکیل یا متخصصان امور حقوقی به منظور پیشبرد دعوی خود، دسترسی به عدالت و احقاق حقوق خویش بهره می‌گیرند. به دیگر سخن، این گونه از حمایت غیر کیفری با ارائه کمک‌های حقوقی - قضایی به بزه‌دیدگان اسباب آسان‌سازی و پی‌گیری‌های کیفری را برای بزه‌دیدگان فراهم می‌نماید.^(۸) به این ترتیب، حضور وکیل در کنار بزه‌دیدگان موجب می‌شود تا حقوق و منافع آنان در فرآیند کیفری به گونه‌ای آسان و دقیق تأمین شود. از این رو، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی اسناد متعددی را تحت تأثیر رویکرد بزه‌دیده‌مدار در راستای حمایت از بزه‌دیدگان تدوین کرده‌اند. در گستره ملی نیز تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران به دنبال گفتمان دانشگاهی در این خصوص، مقررات

5- Victim advocacy movement.

- ۶- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۷۷.
 ۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (دکتر)، عدالت بر بزه‌دیدگان، (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶، ۱۳۸۴، ص ۵۳ و ۵۲.
 ۸- ویلیام، کاترین، حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی، ترجمه دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۰، ۱۳۸۳، ص ۲۹۰.

متعددی را به تصویب رسانده‌اند تا از این رهگذر، بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری از سوی وکیل یا متخصصان امور حقوقی مورد مشاوره و راهنمایی واقع شوند. با وجود این، سیاست جنایی بین‌المللی و ملی در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. این نوشتار در دو گفتار حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل و سازوکارهای حمایت از این حق را در گستره سیاست جنایی بین‌المللی (گفتار نخست) و در سیاست جنایی ملی (گفتار دوم) بررسی می‌کند.

۱. سیاست جنایی بین‌المللی در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی از رهگذر شماری از اسناد حقوق بشری و مقررات ناظر به عدالت کیفری بین‌المللی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار داده‌اند.

۱.۱. شناسایی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی با تدوین برخی اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری حق یاد شده را محترم شمرده‌اند تا با تأثیری‌گذاری بر سیاست‌گذاران ملی آن را وارد مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های ملی نمایند. در پهنه جهانی شماری از اسناد با رویکردی ارشادگر به حق مذکور اشاره کرده‌اند. در میان اسناد جهانی، اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت^(۹) ۱۹۸۵ در زیر عنوان «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه»، ماده ۶ اصول راهبردی اجرای عدالت نسبت به کودکان در نظام عدالت کیفری ۱۹۹۷ و قسمت نهم بند الف و قسمت پنجم بند ب رهنمودهایی برای اجرای عدالت نسبت به کودکان بزه‌دیده و گواه بزه‌کاری ۲۰۰۳ حق بزه‌دیدگان - به ویژه کودکان بزه‌دیده - در استفاده از خدمات حقوقی و در سراسر فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند. مطابق این اسناد، به دولت‌ها سفارش

9- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power.

شده است که تدابیر تقنینی و قضایی مناسب در زمینه حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان را برای اجرای عدالت، احترام به کرامت انسانی و غیره اتخاذ کنند تا از این رهگذر، بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری از مداخله و راهنمایی‌های وکیل‌گزینی یا رایگان بهره‌مند شوند.

در گسترده منطقه‌ای نیز برخی از اسناد با رویکرد ارشادگر یا الزام‌آور از این حق یاد کرده‌اند. در میان اسناد منطقه‌ای ارشادگر سند مربوط به تصمیم‌های شورای اروپا در زمینه روند رسیدگی کیفری (با تمرکز بر بزه‌دیدگان) ۲۰۰۵ زیر عنوان «جایگاه بزه‌دیدگان و گواهان» به حق یاد شده اشاره نموده است. اما در میان اسناد منطقه‌ای الزام‌آور فقط اعلامیه آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها)^(۱۰) ۱۹۸۱ در بند ج ماده ۷ حق بزه‌دیدگان در برخورداری از «وکیل‌گزینی» را مورد پذیرش قرار داده است تا از این طریق، دولت‌های عضو این اعلامیه دست کم حق یاد شده را در مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های خود پیش‌بینی نمایند. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی این حق را به گونه‌ای ارشادگر از طریق اسناد جهانی و الزام‌آور از رهگذر اسناد منطقه‌ای به رسمیت شناخته و برای تضمین بیشتر این حق در برخی از اسناد منطقه‌ای نهادهای نظارتی - حمایتی (دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها) و ضمانت اجرای مدنی (جبران خسارت) را پیش‌بینی کرده‌اند.

۱.۲. شناسایی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در عدالت کیفری بین‌المللی

سیاست‌گذاری جنایی بین‌المللی با تاسیس «دیوان بین‌المللی کیفری» در سال ۲۰۰۲ یک مرجع رسمی بین‌المللی برای حمایت از بنیادی‌ترین، ارزش‌های انسانی که احتمال دارد از سوی شماری از صاحبان قدرت به گونه‌ای جدی نقض شود برپا کردند.^(۱۱) نویسندگان مقررات ناظر به این دیوان از رهگذر شماری از مواد اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساس‌نامه رم ۱۹۹۸)، از جمله بند ۱ ماده ۱۶، بند ۳ ماده ۶۸ و بند ۲ ماده ۱۷ قواعد دادرسی و دلایل سال ۲۰۰۲ و نیز مواد ۸۰ الی ۸۱ آئین‌نامه دیوان

10- African Declaration on Human and Peoples Rights.

۱۱- اردبیلی، محمد علی (دکتر)، حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۱۳.

بین‌المللی کیفری ۲۰۰۴ حق بزه‌دیدگان جرم‌های بین‌المللی در بهره‌مندی از وکیل گزینشی، رایگان و استفاده از مشاوره‌های حقوقی رایگان را به رسمیت شناخته‌اند.^(۱۲)

۱.۲.۱. چگونگی استفاده بزه‌دیدگان از حق داشتن وکیل گزینشی

ماده ۷۵ آئین‌نامه مذکور چگونگی استفاده از این حق را به دو شکل تبیین می‌کند. نخست، هنگامی که وکیل آنان از میان فهرست وکیلان دیوان بین‌المللی کیفری گزینش شود. در این صورت بزه‌دیدگان مطابق بند ۱ این ماده وکیل مورد نظر خود را به رئیس دبیرخانه معرفی کنند تا وی پس از دریافت موافقت وکیل گزینش شده نسبت به صدور مجوز وکالت برای او در دیوان مزبور اقدام نماید. دوم، زمانی که وکیل بزه‌دیدگان از میان وکیلان بیرون از فهرست دیوان مذکور گزینش شود. در این صورت بزه‌دیدگان براساس بند ۲ ماده مزبور وکیل گزینش شده خود را به رئیس دبیرخانه معرفی می‌نمایند تا او پس از احراز صلاحیت این وکیل^(۱۳) مجوز وکالت را صادر کند.

۱.۲.۲. چگونگی استفاده بزه‌دیدگان از حق داشتن وکیل رایگان

تدوین‌کنندگان اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸ برای تضمین بیشتر حق بزه‌دیدگان ناتوان مالی در برخورداری از وکیل و مشاوره‌های حقوقی رایگان مطابق بند ۶ ماده ۴۳ تاسیس «واحد بزه‌دیدگان و گواهان» را زیر نظر بخش دبیرخانه پیش‌بینی کرده‌اند. این واحد به موجب ماده ۸۱ برای ارائه خدمات حقوقی به بزه‌دیدگان از جمله ارائه راهنمایی‌های حقوقی مناسب و حضور در شعبه‌های دیوان در برخی دعوای کیفری باید به تشکیل «دفتر مشاوران عمومی بزه‌دیدگان» مبادرت ورزد. همچنین،

۱۲- افزودنی است که وکیل بزه‌دیدگان برپایه بند ۱ ماده ۲۲ قواعد یادشده باید دارای شرایط عمومی و اختصاصی باشد. در زمینه شرایط عمومی، وکیل بزه‌دیدگان باید از دانش بالا و تسلط به یکی از زبان‌های مورد نظر دیوان بین‌المللی کیفری برخوردار باشد و در خصوص شرایط اختصاصی تخصص وکیل در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری امری ضروری به شمار می‌رود.

۱۳- گفتنی است که احراز صلاحیت وکیلان بر پایه مواد ۶۹ و ۷۰ آئین‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری انجام می‌پذیرد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: محمد نسل، غلام رضا، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، نشر دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۵.

بزه‌دیدگان نا توان مالی براساس ماده ۸۳ این آئین‌نامه می‌توانند به منظور برخورداری از ابزارهای برابر در فرآیند کیفری و داشتن امکان دفاع مناسب و مؤثر همه هزینه‌های متعارف از جمله دستمزد وکیل را از دیوان درخواست کنند. به این‌سان، مطابق مواد ۸۴ و ۸۵ آئین‌نامه مذکور رئیس دبیرخانه پس از احراز ناتوانی مالی تصمیم مناسب در خصوص پرداخت هزینه‌های لازم به آنان را اتخاذ می‌نماید. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در نظام عدالت کیفری بین‌المللی به همه جنبه‌های حق بزه‌دیدگان در بهره‌مندی از وکیل توجه شده است تا از این رهگذر بزه‌دیدگان جرم‌های بین‌المللی - که در شمار جرم‌های شدید قرار دارند - از امکانات دفاعی مناسب در برابر متهمان جرم‌های بین‌المللی - که معمولاً از صاحبان قدرت می‌باشند - استفاده کنند.

۱.۳. سازوکارهای حمایت از حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

در پهنه سیاست جنایی بین‌المللی سازوکارهای حمایت از حق یاد شده به شکل فراگیر وجود ندارد؛ زیرا در گستره جهانی نویسندگان اسناد الزام‌آور ناظر به حقوق بشر در فرآیند کیفری به دلیل برتری دادن «رویکرد متهم مدار» بر «رویکرد بزه‌دیده‌مدار» تنها به حقوق متهمان اشاره کرده‌اند و از شناسایی حقوق بزه‌دیدگان خودداری ورزیده‌اند، به گونه‌ای که در این گستره فقط چند سند ارشادگر در خصوص حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری یافت می‌شود. در گستره منطقه‌ای نیز این حق تا اندازه‌ای مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی واقع شده است. به این شکل که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی شماری از منطقه‌ها - که به تدوین سند منطقه‌ای الزام‌آور در خصوص حقوق بشر در فرآیند کیفری مبادرت ورزیده‌اند - در بیشتر موارد رویکرد متهم‌مدار را بر رویکرد بزه‌دیده‌مدار ترجیح داده‌اند و از این‌رو، تنها در یکی از این اسناد (یعنی اعلامیه آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها) «حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل گزینشی» به رسمیت شناخت شده است. بنابراین، نویسندگان این سند افزون بر شناسایی حق یاد شده سازوکارهای حمایت از آن را نیز پیش‌بینی کرده‌اند. تدوین‌کنندگان سند مزبور از رهگذر مواد ۳۰ و ۶۴ برای بالا بردن سطح حقوق بشر و مردمان، دسترسی به هدف‌های بنیادین اعلامیه یاد شده از جمله آزادی، برابری و عدالت و تضمین حمایت

از این حقوق و ارزش‌ها در گستره کشورهای عضو اعلامیه یادشده به تاسیس «کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها)» و «دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها)» مبادرت ورزیده‌اند. به این ترتیب، این دو نهاد در منطقه آفریقا از جلوه‌های بنیادین حقوق بشر مانند حق بزه‌دیدگان در بهره‌مندی از وکیل حمایت می‌کنند.

۲. سیاست جنایی ایران در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری

سیاست‌گذاران جنایی پیش و پس از انقلاب ایران با دو رویکرد حداقلی و حداکثری به حق یاد شده نگرسته‌اند. به این شکل که برخی از مقررات با رویکرد حداقلی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل‌گزینی را به رسمیت شناخته‌اند و از شناسایی حق این دسته از شهروندان در برخورداری از وکیل رایگان خودداری ورزیده‌اند. اما در برابر شمار دیگری از مقررات با شناسایی همه جنبه‌های این حق رویکرد حداکثری را مورد توجه قرار داده‌اند به گونه‌ای که بزه‌دیدگان بر پایه این مقررات می‌توانند در صورت توانایی مالی، از وکیل‌گزینی و هنگام ناتوانی مالی، از حضور وکیل رایگان در فرآیند کیفری استفاده نمایند. افزون بر این تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران سازوکارهای متعددی را برای حمایت از حق یاد شده پیش‌بینی کرده‌اند.

۲.۱. رویکرد حداقلی به شناسایی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

در نظام کیفری پیش و پس از انقلاب ایران مقررات متعددی به حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل‌گزینی اشاره کرده‌اند. در میان مقررات تقنینی پیش از انقلاب مواد ۲۴۲ و ۳۵۲ قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ و سپس مواد ۱۳ و ۱۷ قانون تشکیل محاکم جنایی ۱۳۳۷ این حق را برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته بودند. بر پایه مواد یاد شده نقش آفرینان دعوای کیفری از جمله بزه‌دیدگان حق داشتند در همه مرحله‌های فرآیند کیفری برای دفاع از حقوق خود وکیل تعیین نمایند.^(۱۴) به این سان، آنان با پرداخت هزینه‌های مربوط به وکیل می‌توانستند شکایت خود را در دستگاه

۱۴- آخوندی، محمود (دکتر) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۱۹۰.

عدالت کیفری پی‌گیری کنند. براساس این سیاست تنها بخشی از جنبه‌های حق بزه‌دیدگان در این زمینه (یعنی حق برخورداری از وکیل‌گزینی) مورد توجه قرار گرفته و به جنبه دیگر آن - که همانا حق بزه‌دیدگان ناتوان مالی در بهره‌مندی از وکیل رایگان است - اشاره نشده بود. به این ترتیب، بزه‌دیدگان ناتوان مالی از حضور وکیل در کنار خود برای دسترسی به عدالت و احقاق حقوق خویش محروم بودند. زیرا به نظر می‌رسد تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در آن هنگام از یک سو در تدوین مقررات کیفری به رویکرد متهم مداریش از رویکرد بزه‌دیده‌مدار گرایش داشتند و از سوی دیگر حضور مقام‌های قضایی تعقیب‌کننده دعوی کیفری به ویژه دادستان را ابزاری مناسب برای دفاع از حقوق بزه‌دیدگان می‌پنداشتند.^(۱۵) در نظام کیفری پس از انقلاب ایران نیز در شماری از مقررات تقنینی رویکرد حداقلی به حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل مورد توجه تدوین‌کنندگان آن‌ها واقع شده است. برای نمونه، ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور ۱۳۶۸، ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی ۱۳۷۰ و مواد ۶۹، ۱۸۵ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸^(۱۶) حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل‌گزینی را در سراسر فرآیند کیفری محترم شمرده‌اند.^(۱۷)

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در نظام کیفری پیش و پس از انقلاب ایران شماری از مقررات تقنینی به ویژه مقررات بنیادین ناظر به آیین دادرسی کیفری با به رسمیت شناختن حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل‌گزینی، ناآگاهانه در راستای محرومیت بزه‌دیدگان ناتوان مالی در بهره‌مندی از وکیل رایگان و در نتیجه دسترسی نداشتن آنان به

۱۵- برای نمونه در این زمینه می‌توان به ماده ۵۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه ۱۳۰۷ اشاره کرد. بر پایه این ماده «در محاکمات جزایی مدعی‌العموم حکم وکیل جماعت را دارد».

۱۶- افزودنی است که وکیل بزه‌دیدگان در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸ نسبت به وکیل متهمان از حقوق بیشتری در فرآیند کیفری برخوردار است. باوجود این، مطابق قانون مذکور حق برخورداری از وکیل رایگان تنها برای متهمان پیش‌بینی شده و بنابراین، گستره حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری از رهگذر این قانون فقط به وکیل‌گزینی محدود شده است. به این سان، بزه‌دیدگان ناتوان مالی از حق داشتن وکیل رایگان در فرآیند کیفری محروم می‌باشند.

۱۷- گلدوست-جویباری، رجب(دکتر)، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶.

ابزارهای بنیادین دستیابی به عدالت گام برداشته‌اند. این رویکرد از سوی نویسندگان شماری از لوایح از جمله لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی^(۱۸) نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. براساس ماده ۱۹۰ این لایحه «هر کس [از جمله بزه‌دیده] حق دارد در کلیه مراحل کشف جرم، تعقیب، تحقیق و رسیدگی و همچنین در دادرسی‌های حقوقی، شبه قضایی و اداری از مشاوره و دخالت وکیل برخوردار گردد...» همچنین، مطابق تبصره ۱ این ماده در برخی از جرم‌ها «چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی نماید، تعیین وکیل تسخیری برای وی الزامی است». به این سان، تدوین کنندگان این لایحه که به موجب ماده ۴۸ به برابری همه شهروندان در برابر قانون و برخورداری از حمایت‌های قانونی اشاره کرده‌اند از رهگذر مواد یاد شده و با «رویکردی تفاوت‌گذار» تنها حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل‌گزینی را به رسمیت شناخته‌اند؛ گویی که بزه‌دیدگان ناتوان مالی به حمایت‌های قانونی برابر و برخورداری از فرصت‌ها و امکانات کافی برای دفاع از حقوق خود نیاز ندارند. به نظر می‌رسد این سیاست از نگرش حاکم بر سیاست جنایی ایران در زمینه حقوق شهروندان در فرآیند کیفری سرچشمه می‌گیرد. زیرا سیاست‌گذاران جنایی ایران با وجود شکل‌گیری جنبش حمایت از بزه‌دیده همچنان در تدوین مقررات و سیاست‌ها «حقوق دفاعی متهمان» را بر «حقوق دفاعی بزه‌دیدگان» مقدم می‌شمارند و از این رو، نویسندگان این لایحه مانند تدوین کنندگان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ گستره حقوق شهروندی در فرآیند کیفری را فقط به حقوق متهمان محدود کرده‌اند تا از این رهگذر دولت امکانات مناسب را برای بهره‌مندی آنان از وکیل رایگان فراهم کند.

۲.۲. رویکرد حداکثری به شناسایی حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

نویسندگان قانون اساسی ۱۳۵۸ برای نخستین بار در گستره فراقضایی با رویکرد حداکثری به شناسایی حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل مبادرت ورزیده‌اند.

۱۸- گفتنی است که این لایحه توسط اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری تدوین شده و در زمان نگارش این مقاله (بهمن ۱۳۸۶) در کمیسیون لوایح هیأت دولت تحت بررسی بوده است.

براساس اصل ۱۳۵ این قانون «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». به این سان، خبرگان قانون اساسی از رهگذر این اصل با رویکرد حداکثری و مساوات‌گرا به حقوق متهمان و بزه‌دیدگان در بهره‌مندی از همه جنبه‌های حق یاد شده از جمله «حق برخورداری از وکیل رایگان» اشاره کرده‌اند.^(۱۹) بنابراین، بزه‌دیدگان - که در اثر تحمل بزه کاری و آسیب‌های ناشی از آن در موقعیت نابرابری نسبت به بزه‌کاران قرار می‌گیرند - به موجب این اصل در سراسر فرآیند کیفری از حق استفاده از ابزارها، امکانات دفاعی مناسب و وکیل‌گزینی و رایگان برخوردار هستند. این نگرش نویسندگان قانون اساسی که تا سال ۱۳۷۹ مورد توجه قانون‌گذار نبود، در آن سال با افزودن تبصره ۲ به قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و ... ۱۳۷۴^(۲۰) دستخوش تغییرات اندکی گردید. به این سان براساس این تبصره تا اندازه‌ای از برتری رویکرد متهم‌مدار نسبت به رویکرد بزه‌دیده‌مدار در این خصوص کاسته شد و در نتیجه، گرایش به سوی پیش‌بینی همه جنبه‌های حق یاد شده - از جمله حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل رایگان در مقررات تقنینی - جنبه جدی‌تری پیدا کرد.^(۲۱) به این شکل که مطابق تبصره یاد شده شماری از بزه‌دیدگان تحت پوشش نهادهای حمایتی - مانند سازمان بهزیستی کشور - می‌توانند در همه مرحله‌های فرآیند کیفری از حضور نماینده حقوقی آن نهاد برای شکایت کردن و دفاع از حقوق خود استفاده کنند. این رویکرد در سال ۱۳۸۳ از طریق بند ۷ ماده ۹۵ و قسمت ۷ بند ۷ ماده ۱۳۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقویت شده است. به گونه‌ای که براساس این مواد دستگاه قضایی مکلف شده است در

۱۹- صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، بررسی عناوین قانون اساسی ایران، انتشارات اداره کل فرهنگی

و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست: ۱۳۶۴، ص ۷۵۲.

۲۰- گفتنی است که این تبصره در سال ۱۳۷۹ به قانون مزبور افزوده شد.

۲۱- افزودنی است که تبصره یاد شده مقرر می‌نماید: «درخصوص دعاوی (اعم از کیفری و حقوقی) مربوط به مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و خانواده‌های تحت پوشش بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد جانبازان و ستاد آزادگان در صورت تقاضای نامبردگان حسب مورد دستگاه مربوطه می‌تواند طبق مفاد ماده واحده اقدام به معرفی نماینده حقوقی نماید».

راستای اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی، تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی و دفاع از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان از یک سو، حق شهروندان از جمله بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل‌گزینی را محترم بشمارد و از سوی دیگر، تدابیر مناسب برای دسترسی آنان به وکیل رایگان را اتخاذ نماید. به این ترتیب، قانون‌گذار از رهگذر دو قانون یاد شده و تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ۱۳۸۴ به سوی اجرای درست و دقیق جلوه‌های متعدد اصل مذکور و برقراری برابری میان «حقوق نقش آفرینان دعوای کیفری» در این خصوص گام برداشته است. از این رو، بزه‌دیدگان می‌توانند از همه جنبه‌های حق برخورداری از وکیل در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری بهره‌مند شوند. دستگاه قضایی نیز با پیروی از این سیاست و به منظور اجرای وظایف واگذار شده در این زمینه هنگام تهیه و تدوین لایحه قانون آیین دادرسی کیفری^(۲۲) به بیشتر جنبه‌های حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل توجه کرده است. به این‌سان، بزه‌دیدگان به موجب ماده ۲۸۱ «می‌توانند [در همه مرحله‌های فرآیند کیفری] وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند». همچنین، آنان مطابق ماده ۲۸۲ «تا پایان اولین جلسه رسیدگی می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند وکیل برای آن‌ها تعیین کند. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن مالی متقاضی... وکیل برای [آنان] تعیین خواهد نمود». به این ترتیب، بزه‌دیدگان ناتوان مالی در صورت تصویب لایحه یاد شده در دستگاه تقنینی می‌توانند از خدمات و راهنمایی‌های حقوقی وکیل رایگان در فرآیند دادرسی استفاده نمایند.^(۲۳)

حق بزه‌دیدگان ناتوان مالی در برخورداری از حمایت‌های حقوقی رایگان در شماری از مقررات فروتقنینی نیز به منظور برقراری برابری ابزارها میان نقش آفرینان دعوای کیفری و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای رایگان به رسمیت شناخته شده است. در این راستا، کانون وکیلان در سال ۱۳۱۷ با تدوین آیین نامه راجع به دفتر راهنمایی کانون وکلای

۲۲- این لایحه توسط معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه تدوین شده و در زمان نگارش این مقاله (بهمن ۱۳۸۶) آماده ارسال به هیأت دولت بوده است.

۲۳- موزن زادگان، حسنعلی (دکتر)، حقوق بزه‌دیدگان و نقش لایحه قانون آیین دادرسی کیفری در تأمین آن مجله تعالی حقوق، شماره ۹، ۱۳۸۶، ص ۱۹.

استفاده از ماموران قضایی، وکیلان، کارآموزان وکالت و دیگر متخصصان حقوق در صدد حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان ناتوان مالی برآمده است. به این سان، بر اساس ماده ۱ «کسانی که تمکن کافی برای مراجعه به وکیل عدلیه ندارند... [می‌توانند] از راهنمایی استفاده کنند». همچنین، دستگاه قضایی در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱ از رهگذر تدوین آیین نامه اجرای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و بخشنامه‌ای^(۲۴) به تأسیس «واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی» و «دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان» برای ارائه مشاوره و خدمات حقوقی رایگان به بزه‌دیدگان ناتوان مالی مبادرت ورزیده است. خدمات این واحدها در عمل بیشتر برای اموراتدایی و ساده‌ای مانند تنظیم لایحه یا شکایت نامه صرف می‌شود^(۲۵) با وجود این، به نظر می‌رسد خدمات یاد شده در شرایط کنونی تنها سازوکار حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان ناتوان مالی به شمار می‌روند.

۲.۳. سازوکارهای حمایت از حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

در گسترده سیاست جنایی ایران نهادها و ضمانت اجرای متعددی با رویکردهای مختلف در راستای اجرای درست، دقیق و تضمین حقوق شهروندی - از جمله حقوق بزه‌دیدگان - در فرآیند کیفری پیش‌بینی شده است.

۲.۳.۱. وضعیت کنونی سازوکارهای حمایت از حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

نویسندگان قانون اساسی ۱۳۵۸ از رهگذر اصل ۹۰ برای احترام به حقوق شهروندان نظارت بر عملکرد دستگاه‌های تقنینی، اجرایی و قضایی را مورد توجه قرار داده‌اند. بر پایه این اصل: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد...» به

۲۴- بخش‌نامه شماره ۱۸۴۲۱/۱۸۱/۱ سال ۱۳۸۱.

۲۵- رایجیان اصلی، مهرداد، منبع پیشین، ص ۹۳.

این‌سان، مجلس شورای اسلامی افزون بر قانون‌گذاری در زمینه رسیدگی به شکایت شهروندان از عملکرد دستگاه‌های دولتی و احقاق حقوق آنان از طریق پرسش‌گری از نهادها و پاسخ‌خواهی از آن‌ها^(۲۶) نیز گام بر می‌دارد.^(۲۷) این نهاد در پرتو ماده ۴۳ آیین‌نامه داخلی خود به تاسیس کمیسیون اصل ۹۰ مبادرت ورزیده است تا شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی ۱۳۶۵ با بازرسی از نهادهای مورد شکایت و یا از طریق ارتباط نوشتاری با آن‌ها گزارش‌ها و پاسخ‌های لازم را برای ارائه به شهروندان تهیه نمایند. بنابراین، کمیسیون یاد شده به عنوان نهاد تقنینی - نظارتی می‌تواند در خصوص حمایت از حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل به شکایت شماری از آنان - که مدعی نقض این حق در فرآیند کیفری هستند - رسیدگی نماید. در گستره اجرایی نیز خبرگان قانون اساسی با واگذاری مسئولیت اجرای این قانون به رئیس‌جمهور از رهگذر اصل ۱۱۳ زمینه‌های حمایت از حقوق شهروندان از جمله حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل را فراهم کرده‌اند. به این‌سان، رئیس‌جمهور به موجب مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری ۱۳۶۵ برای اجرای درست و دقیق اصول قانون اساسی ایران می‌تواند به نظارت، بازرسی، دریافت آگاهی‌های لازم، پی‌گیری و در نتیجه اخطار و تذکره‌ی مبادرت ورزد. در همین راستا، در سال ۱۳۷۶ رئیس‌جمهور وقت «هیأت پی‌گیری اجرای قانونی اساسی و نظارت بر آن»^(۲۸) را تشکیل داد. این هیأت موظف بود در زمینه مواردی از جمله «تدوین خط مشی نحوه پی‌گیری اجرای قانون اساسی با اولویت متضمن حقوق فردی و اجتماعی مردم...»، «اعمال نظارت و بازرسی در خصوص کیفیت اجرای اصول قانون اساسی...» و «تدوین روش‌های دریافت و پی‌گیری اطلاعات مورد نیاز از موارد تخلف یا عدم اجرای قانون اساسی» اقدام نماید. هیأت

۲۶- گفتنی است که برپایه قانون تبصره الحاقی ۱۳۶۴ به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم ۱۳۵۹ پاسخ ندادن به هنگام یا مناسب نهاد پرسش شونده سبب اعمال کیفر زندان به میزان سه ماه تا یک سال و انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال بر متخلف و یا مجرم خواهد شد.

۲۷- هاشمی، سید محمد (دکتر) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۱۹۶.

۲۸- این هیأت در ۱۳۸۴ منحل گردید.

مذکور مطابق بند ۴ فصل نخست آیین نامه داخلی خود به تأسیس پنج کمیسیون از جمله «کمیسیون نظارت و بازرسی» پرداخته بود.^(۲۹) این هیات در طی هشت سال فعالیت خود با وجود نظارت و پی‌گیری در خصوص اجرای شماری از اصول قانون اساسی تدابیری در زمینه چگونگی اجرای جنبه‌های مختلف اصل ۳۵ - مانند حمایت‌های حقوقی رایگان از بزه‌دیدگان - اتخاذ نکرده بود.

در گستره قضایی، دادسرا و دادگاه انتظامی قضاات را می‌توان به منزله یکی از سازوکارهای حمایت‌گر از حقوق شهروندان - از جمله بزه‌دیدگان - به شمار آورد. براساس مواد ۳۶ و ۳۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضاات ۱۳۳۳ و ماده ۷ آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضاات ۱۳۸۲ دادسرای انتظامی قضاات مکلف شده است در زمینه «بازرسی و کشف تخلفات و تقصیرات و تعقیب مستخدمین قضایی»، «نظارت و ارزیابی کیفیت کار قضایی» به نظارت و ارزیابی دوره‌ای و موردی بر عملکرد دادرسان مبادرت ورزد. به این ترتیب، دادسرا و دادگاه انتظامی قضاات بر پایه این مواد با نظارت بر عملکرد آنان و رسیدگی به شکایت‌های شهروندان - از جمله بزه‌دیدگان - در خصوص نادیده انگاشته شدن حق‌شان در فرآیند کیفری، از حقوق بزه‌دیدگان مانند حق آنان در برخورداری از وکیل حمایت می‌نماید.

افزون بر این، در وضعیت کنونی ضمانت اجرای متعددی نیز در گستره سیاست جنایی ایران برای حمایت از حقوق شهروندان - از جمله حق بزه‌دیدگان - در برخورداری از وکیل وجود دارد. شدیدترین گونه از ضمانت اجراها، پاسخ کیفری است. به این سان، براساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هرگاه مقام‌های دولتی بر خلاف قانون، حقوق شهروندان در قانون اساسی را از آنان سلب نمایند به دو ماه تا سه سال کیفر زندان محکوم می‌شوند. به این ترتیب، اگر مقام قضایی یا دیگر مقام‌های دولتی مانند ضابطان دادگستری شهروندان - از جمله بزه‌دیدگان - را از حقوق پیش‌بینی شده در قانون اساسی مانند حق بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری محروم نمایند، با پاسخ

۲۹- مهرپور، حسین (دکتر)، وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی، نشر ثالث، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۳۳.

کیفری روبه رومی شوند.^(۳۰) همچنین تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در کنار این ضمانت اجرا در پرتو ماده یاد شده پاسخ اداری را پیش‌بینی کرده‌اند. از این رو، سلب حقوق شهروندان - مانند بزه‌دیدگان - در استفاده از وکیل انفصال از خدمات دولتی را در پی دارد. پاسخ مدنی نیز از رهگذر مواد ۱۱۰۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مورد توجه قانون‌گذار واقع شده است. به این شکل که هرگاه دادرسان و دیگر مقام‌های دولتی بدون مجوز قانون به‌طور عمدی و یا در اثر تقصیر موجبات تضییع حقوق شهروندان از جمله بزه‌دیدگان را فراهم نمایند مکلف به جبران خسارت می‌باشند.^(۳۱) به این ترتیب، سلب حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل از سوی مقام‌های قضایی و دیگر مقام‌های دولتی با پاسخ مدنی مواجه می‌گردد.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که در وضعیت کنونی سازوکارها و پاسخ‌های متعددی با رویکردهای مختلف سیاسی و قضایی برای حمایت از حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل وجود دارد.

۲.۳.۲. دورنمای سازوکارهای حمایت از حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل

سیاست‌گذاران جنایی ایران برای تضمین بیشتر حقوق بزه‌دیدگان در کنار سازوکارهای حمایتی کنونی نهادی مستقل را پیش‌بینی نموده‌اند. نویسندگان لایحه قانون حقوق شهروندی و تاسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی در پرتو باب هفتم و از طریق ماده ۹۹ «نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی» را برای نظارت بر اجرای حقوق شهروندی، توسعه و حمایت از آن را پیش‌بینی کرده‌اند. این نهاد بر پایه ماده ۱۰۰ موظف شده است در خصوص آموزش و ترویج حقوق شهروندی، اطلاع‌رسانی ملی و بین‌المللی در زمینه حقوق شهروندی نظارت بر اجرای آن و بررسی شکایت‌های شهروندان اقدام نماید. تدوین‌کنندگان این لایحه برای حمایت همه‌جانبه از حقوق

۳۰- زراعت، عباس (دکتر)، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد نخست، انتشارات فیض، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۲۹۵.

۳۱- کاتوزیان، ناصر (دکتر)، حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵.

شهروندان با رویکردی فرابخشی به ترکیب اعضاء این نهاد نگریسته‌اند. به گونه‌ای که براساس ماده ۱۰۱ نمایندگان دستگاه‌های تقنینی، اجرایی، قضایی، علمی، نهادهای جامعه‌ای از جمله کانون وکیلان و انجمن‌های اقلیت‌های دینی و صنفی و رسانه‌های نوشتاری از اعضاء نهاد یاد شده به شمار می‌روند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که نویسندگان این لایحه افزون بر استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های همه دستگاه‌های دولتی در حمایت از حقوق شهروندان به قابلیت‌های نهادهای جامعه‌ای نیز برای تضمین بیشتر این حقوق توجه داشته‌اند. زیرا، به این ترتیب، هرگاه شهروندان - از جمله بزه‌دیدگان مدعی نقض حقوق خود از سوی مقام‌های دولتی و عمومی باشند - می‌توانند شکایت خود را نزد نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندان مطرح نمایند. این شکایت ممکن است از جنبه‌های متعدد قابل رسیدگی باشد. به این شکل که بر پایه ماده ۱۰۳ اگر «موضوع شکایت جنبه اداری داشته باشد، نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی در ابتداء خواستار پاسخگویی دستگاه مربوطه می‌گردد. در صورت عدم رسیدگی دستگاه مربوطه یا در صورتی که پاسخ دستگاه مزبور قانع‌کننده نباشد، نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی موضوع را در دیوان عدالت اداری مطرح و پی‌گیری می‌نماید». اما به موجب ماده ۱۰۴ هرگاه موضوع شکایت جنبه قضایی داشته باشد به گونه‌ای که شماری از شهروندان «مدعی نقض حقوق خود در مراجع قضایی باشند، نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی می‌تواند اطلاعات لازم مربوط به پرونده را از قوه قضائیه درخواست نماید. در صورتی که پس از بررسی‌های لازم نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی به این نتیجه برسد که حداقل تضمینات دادرسی منصفانه رعایت نشده... می‌تواند از رئیس دادگستری استان خواستار ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض شود. در صورتی که حکم قطعی صادر شده باشد، نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی می‌تواند خواستار تجدید نظرخواهی مجدد از این حکم قطعی شود». بنابراین، ملاحظه می‌شود که بزه‌دیدگان مطابق این ماده می‌توانند در صورت نقض حقوق خود در فرآیند کیفری، از جمله حق استفاده از وکیل‌گزینی، به نهاد ملی حمایت از حقوق شهروندی شکایت کنند تا از این رهگذر از یک سو، پاسخ‌های پیش‌بینی شده در مقررات بر مقام نقض‌کننده حقوق آنان تحمیل شود و از سوی دیگر، حکم صادر شده از سوی دادگاه مورد بازبینی قرار

گیرد. همچنین، تدوین‌کنندگان لایحه قانون آیین دادرسی کیفری در پرتو شماری از مواد به ویژه ماده ۷ و تبصره ۱ ماده ۲۸۳، پاسخ‌های مدنی و انتظامی را برای حمایت از حق شهروندان - از جمله بزه‌دیدگان - در برخورداری از وکیل پیش‌بینی نموده‌اند. به این سان، مطابق ماده ۷ «در تمامی مراحل اعم از کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و سایر قوانین از سوی تمامی مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان [به] جبران خسارت وارده... محکوم خواهند شد». همچنین، براساس تبصره یاد شده «چنان‌چه وکیل تسخیری بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع نماید، دادگاه ضمن عزل وکیل و تعیین وکیل تسخیری دیگر مراتب را به کانون وکلای مربوط جهت تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد». به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که نویسندگان این لایحه افزون بر پیش‌بینی تحمیل پاسخ‌های کیفری، مدنی و انتظامی نسبت به مقام‌های دولتی نقض‌کننده حقوق شهروندان - از جمله حق بزه‌دیدگان در برخورداری از وکیل - مقام‌های جامعه‌ی (غیر دولتی) تأثیرگذار بر فرآیند کیفری به ویژه وکیلان را در صورت نادیده‌انگاشتن حقوق شهروندان مشمول پاسخ‌های یاد شده کرده‌اند. بنابراین، بر پایه مواد ۷ و ۲۸۳ هرگاه وکیل رایگان بزه‌دیدگان از ارائه مشاوره و دفاع از حقوق آنان خودداری نماید، با پاسخ‌های کیفری، مدنی و انتظامی روبه‌رو می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه، سیاست‌گذاران جنایی تحت تأثیر گفتمان دانشگاهی و جنبش حمایت از بزه‌دیده در کنار شناسایی تضمین حقوق متهمان در فرآیند کیفری به شناسایی و تضمین حقوق دیگر نقش‌آفرین دعوای کیفری (یعنی بزه‌دیده) نیز توجه می‌نمایند. حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل از بنیادی‌ترین سازوکارهای حمایت از آنان به شمار

می‌رود؛^(۳۲) از این رو، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی در دو گستره بین‌المللی و ملی این حق را به منظور برابری حقوق دفاعی نقش آفرینان دعوای کیفری - از جمله حق بهره‌مندی بزه‌دیدگان از مشاوره‌ها و خدمات وکیل‌گزینی یا رایگان - پیش‌بینی کرده‌اند. با وجود این، سیاست جنایی بین‌المللی و ملی در این زمینه با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. در گستره بین‌المللی نبود سند الزام‌آور در خصوص حقوق دفاعی بزه‌دیدگان - از جمله حق در برخورداری از وکیل - یکی از کاستی‌های اساسی تلقی می‌شود. بنابراین، تقویت مقررات وجود سازوکارهای اجرای آن‌ها می‌تواند در الزام دولت‌ها به ایجاد امکانات مناسب برای بزه‌دیدگان، به ویژه بزه‌دیدگان ناتوان مالی، در این خصوص، ایجاد همگرایی میان آن‌ها در زمینه یاد شده و در نتیجه «جهانی کردن حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری» - از جمله حق بهره‌مندی از وکیل مدافع - نقش به‌سزایی ایفاء نماید. افزون بر این، نبود نظارت قضایی و ضمانت اجرای حقوقی در راستای حمایت از حق یاد شده در پهنه بین‌المللی سبب شده است تا نهادهای بین‌المللی نتوانند بر عملکرد و رویه دولت‌ها در این زمینه نظارت داشته باشند. از این رو، پیش‌بینی این نهادها در گستره بین‌المللی، دولت‌ها را در بهبود وضعیت حقوق بزه‌دیدگان هدایت می‌نماید. در گستره ملی نیز این حق در وضعیت کنونی با چالش‌های متعددی - از جمله دسترسی نداشتن بزه‌دیدگان به وکیل رایگان و محدودیت وکیل در دسترسی به پرونده جنایی در فرآیند پیش از دادرسی - روبه‌رو است. اگر چه به نظر می‌رسد شماری از این چالش‌ها با تصویب لایحه قانون آیین دادرسی کیفری یا لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی برطرف شود، اما پیش‌بینی نکردن وکیل رایگان برای بزه‌دیدگان در فرآیند پیش از دادرسی، ضمانت اجرای بطلان برای آن دسته از آرای که با نادیده‌انگاشتن این حق صادر شده است، نبود بسترهای مناسب برای فعالیت نهادهای جامعه‌ای در این زمینه^(۳۳) و رویکرد متهم‌مدار به حقوق شهروندی از

۳۲- اداره کنترل مواد مخدر و پیش‌گیری از جرم سازمان ملل متحد، عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه علی شایان، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۵۹.

۳۳- مغزی، افروز، مستند سازی فعالیت نهادهای غیر دولتی ایران در امور کیفری، مرکز مطالعات توسعه قضایی، ۱۳۸۵، ص ۵.

چالش‌هایی هستند که همواره دورنمای حقوق بزه‌دیدگان - از جمله حق آنان در برخورداری از وکیل - را تا اندازه‌ای ناامید کننده جلوه می‌دهند. با وجود این، قانون‌گذار ایران می‌تواند با بازنگری در لوایح یاد شده از یک سو، در خصوص ایجاد همگرایی بیشتر مقررات تقنینی عادی با مقررات فراتقنینی و مقررات تقنینی بنیادین - مانند قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸۳ - در زمینه حق یاد شده تلاش نمایند و از سوی دیگر، چالش‌های موجود در آن‌ها را برطرف کنند تا با حضور وکیل‌گزینی و رایگان در کنار بزه‌دیدگان از اشتباهات قضایی، صدور آراء متهافت، بزه‌دیدگی دوباره بزه‌دیدگان و غیره پیش‌گیری شود. بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی - از جمله تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران - باید با تدوین مقررات و سیاست‌های مناسب در زمینه جلوه‌های مختلف حقوق بزه‌دیدگان - به ویژه حق آنان در برخورداری از وکیل در راستای «جهانی کردن حقوق دفاعی بزه‌دیدگان» گام بردارند تا از این رهگذر، سیاست جنایی به موازات «جهانی شدن گفتمان دانشگاهی حمایت از بزه‌دیده» حرکت کند.